

## A Jurisprudential-Legal Feasibility Study on the Establishment of a “Dowry Guarantee Fund” in Iran with a Comparative Study of Similar Mechanisms in Selected Countries

Seyyed Ali Mirlowhi<sup>1</sup>  
Mahdieh Mahdavi Kani<sup>2</sup>

(Received on: 2023-06-27; Accepted on: 2023-10-24)

### Abstract

The predicaments arising from unconventional dowers (*mahr*) and their non-payment necessitate the provision of practical and legitimate solutions. The aim of this research is to examine and assess the jurisprudential-legal feasibility of establishing an institution designated as a “Dowry Guarantee Fund” as a mechanism to mitigate the harms stemming from this issue in Iran. The central research question is whether the establishment of such a fund is compatible with the principles of Imamiyyah jurisprudence, particularly the relevant legal evidences (*adilla*), and how comparative experiences from countries such as Egypt in establishing similar institutions may be utilized. This study employs a descriptive-analytical method, based on library-based sources (jurisprudential and legal), with a comparative approach. The findings indicate that, by relying on general jurisprudential principles—particularly the expediency of preserving the family system (*maṣlaḥat-i ḥifẓ-i niẓām-i khānavādah*) and the rule of no harm (*qā’idah lā ḍarar*)—the establishment of a dowry guarantee fund is not proscribed and may be legitimized either as a governmental decree (*ḥukm ḥukūmatī*) or through the utilization of jurisprudential instruments such as the public treasury (*bayt al-māl*) or *waqf* (endowment). The comparative study also reveals successful executive models that may be used in the design of the fund’s structure, financial resources (e.g., a portion of marriage registration fees), and operational mechanisms in Iran, while observing Sharī’ah standards and local conditions. The overall conclusion affirms the jurisprudential and legal feasibility of establishing such a fund to protect the rights of the wife and to prevent the imprisonment of the husband.

**Keywords:** Dowry Guarantee Fund, Iranian family law, Comparative study, Unconventional dower (*mahr*).

---

1. Ph.D. Candidate in Jurisprudence and Private Law, Shahid Motahari University and Higher School, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: s\_a\_m1375@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Imam Sadiq University (Women’s Campus), Tehran, Iran. Email: mahdiemah@isu.ac.ir

## امکان سنجی فقهی - حقوقی تأسیس «صندوق تضمین مهریه» در ایران با مطالعه تطبیقی راهکارهای مشابه در برخی کشورها

سید علی میرلوحی<sup>۱</sup>

مهدیه مهدوی کنی<sup>۲</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲]

### چکیده

معضلات ناشی از مهریه‌های نامتعارف و عدم پرداخت آن، ضرورت ارائه راهکارهای عملی و مشروع را ایجاب می‌کند. هدف این پژوهش، بررسی و امکان سنجی فقهی - حقوقی تأسیس نهادی تحت عنوان «صندوق تضمین مهریه» به مثابه راهکاری برای کاهش آسیب‌های ناشی از این معضل در ایران است. مسئله اصلی پژوهش این است که آیا تأسیس چنین صندوقی با مبانی فقه امامیه به‌ویژه ادله‌ای سازگار است؟ و چگونه می‌توان از تجارب تطبیقی کشورهای نظیر مصر در تأسیس نهادهای مشابه بهره برد؟ این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی، بر پایه منابع کتابخانه‌ای (فقهی و حقوقی) و با رویکردی تطبیقی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با استناد به ادله عام فقهی به‌ویژه مصلحت حفظ نظام خانواده و قاعده لاضرر، تأسیس صندوق تضمین مهریه منعی ندارد و می‌تواند به مثابه حکمی حکومتی یا با استفاده از ظرفیت‌های فقهی مانند نهاد بیت‌المال یا وقف، مشروعیت یابد. مطالعه تطبیقی نیز الگوهای اجرایی موفق را نشان می‌دهد که می‌تواند در طراحی ساختار، منابع مالی (مانند بخشی از حق ثبت ازدواج) و سازوکار اجرایی صندوق در ایران با رعایت موازین شرعی و شرایط بومی استفاده شود. نتیجه کلی، امکان‌پذیری فقهی و حقوقی تأسیس این صندوق برای حمایت از حقوق زوج و پیشگیری از حبس زوج است.

**کلیدواژه‌ها:** صندوق تضمین مهریه، حقوق خانواده ایران، مطالعه تطبیقی، مهریه نامتعارف.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی، دانشگاه و مدرسه عالی شهید مطهری (ره)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

s\_a.m1375@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خاوران، تهران، ایران

mahdiemah@isu.ac.ir

## مقدمه

خانواده نهاد بنیادین جامعه است که نقش اساسی در سلامت و پایداری اجتماع دارد و در نظام اسلامی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی مرتبط با خانواده در فقه و حقوق ایران، «مهریه» است که به مثابه هدیه و نشانه صداقت مرد به زن در آغاز زندگی مشترک شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۱۸۳؛ نساء ۴:۴). نهاد مهریه که در ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، حق مالکیت زن پس از عقد شناخته شده است، در دهه‌های اخیر با رواج مهریه‌های سنگین و نامتعارف، از کارکرد اصلی خود دور شده و به بروز اختلافات خانوادگی و افزایش زندانیان مهریه انجامیده است (آقازاده، ۱۳۸۵ ه.ش، ص ۳۸). در نتیجه یکی از چالش‌های جدی نظام حقوقی و قضایی ایران، شیوه اجرای مهریه و تعارض میان حمایت از حقوق زن و جلوگیری از حبس مردان معسر است. راهکارهای قانونی موجود نظیر امکان اعسار و تقسیط یا محدودیت‌های اجرایی ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده، به دلیل پیچیدگی‌های اجرایی و عدم حل ریشه‌ای مشکل، نتوانسته‌اند این معضل را مدیریت کنند و حجم بالای دعاوی مهریه همچنان پابرجاست. پژوهش حاضر، ایده «صندوق تضمین مهریه» را به مثابه سازوکاری حمایتی برای صیانت از حق مالی زن و ممانعت از حبس مرد معسر مطرح و ارزیابی می‌کند؛ بنابراین پرسش اصلی تحقیق آن است که با توجه به مبانی فقه امامیه و اصولی همچون مصلحت، لاضرر، لاجرح و اختیارات حاکم اسلامی، آیا تأسیس چنین صندوقی مشروعیت فقهی دارد و در چه چارچوب حقوقی می‌توان آن را در نظام ایران طراحی کرد؟ همچنین تجربه کشورهای مانند مصر یا نظام‌های دارای سازوکارهای تأمین اجتماعی پیشرفته در تضمین تعهدات ناشی از ازدواج (مانند نفقه) چه درس‌هایی برای طراحی بهینه این صندوق در ایران به همراه دارد؟ روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع فقهی، حقوقی و قوانین داخلی و نیز بررسی تطبیقی نظام‌های حقوقی منتخب است. گرچه پیش‌تر راهکارهایی چون تعیین سقف قانونی مهریه (جعفری، ۱۳۹۴ ه.ش)، وضع مالیات

بر مهریه (جلالی، ۱۳۸۹ ه.ش) و اصلاح مقررات اعسار و حبس (بهمن پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶ ه.ش) مطرح شده‌اند، تمرکز این تحقیق بر نهاد «صندوق تضمین مهریه» از حیث تحلیل فقهی، حقوقی و تطبیقی، آن را واجد جنبه‌ای نوآورانه می‌سازد.

## ۱. مبانی نظری

مهریه (یا صداق) در اصطلاح فقهی و حقوقی، مالی است که به موجب عقد نکاح، زوج مکلف به پرداخت آن به زوجه می‌شود؛ این مال می‌تواند عین معین، منفعت، یا تعهدی بر ذمه زوج باشد (کاتوزیان، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۱۴۸). فلسفه مهریه در اسلام صرفاً جنبه مالی یا معاوضی ندارد. فلسفه مهریه در اسلام فراتر از جنبه مالی، به عنوان «نحله» (هدیه و نشانه صدق)، ایجاد پشتوانه مالی برای زن و عاملی برای ثبات خانواده مطرح بوده است (صفایی و امامی، ۱۳۹۳ ه.ش، ص ۱۴۸). صندوق تضمین به طور کلی، نهادی مالی یا سازوکاری حقوقی است که با هدف پوشش ریسک عدم ایفاء تعهدات مالی توسط یکی از طرفین قرارداد یا به موجب قانون ایجاد می‌شود. این صندوق‌ها معمولاً با تجمیع منابع مالی مشخص، پرداخت تعهدات معوق را تضمین می‌کنند و سپس برای بازپس‌گیری وجوه پرداختی از متعهد اصلی اقدام می‌نمایند. کارکرد اصلی آنها ایجاد اطمینان، کاهش ریسک و حمایت از حقوق طرف زیان‌دیده است. صندوق تضمین مهریه، مفهومی است که در این پژوهش به مثابه راهکاری برای معضل مهریه در ایران پیشنهاد می‌شود. منظور از آن، تأسیس نهادی (احتمالاً عمومی غیردولتی یا وابسته به دولت) است که پرداخت بخشی از مهریه (مثلاً تا سقف مهریه متعارف یا میزان تعیین شده در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده) را در صورت عدم پرداخت توسط زوج و پس از طی مراحل قانونی تضمین کند. این صندوق می‌تواند با دریافت منابع مالی مشخص (مانند درصدی از مهریه)، ضمن حمایت از زوجه، از حبس زوج و افزایش دعاوی

قضایی بکاهد. سازوکار دقیق و منابع مالی این صندوق نیازمند بررسی‌های فقهی، حقوقی و اقتصادی جامعی است که در بخش‌های بعدی مقاله به آن پرداخته خواهد شد.

## ۲. چالش‌های نظام مهریه در ایران معاصر

نهاد مهریه در ایران معاصر به دلیل رواج مهریه‌های نامتعارف، با چالش‌های جدی اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی و حقوقی - قضایی مواجه شده است (ملائی، ۱۴۰۴ ه.ش). الف) ابعاد اجتماعی و فرهنگی: چالش اصلی، تغییر ماهیت مهریه از «هدیه» به «ابزار فشار»، «تضمین» یا «تفاخر اجتماعی» است که به افزایش تنش‌های خانوادگی و تأخیر در ازدواج منجر شده است (شعبانی و فلاحی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۴).

ب) ابعاد اقتصادی: فشار ناشی از تعهدات نامتناسب، منجر به پدیده «زندانیان مهریه» شده است که پیامدهای سنگینی برای خانواده و جامعه دارد. این مهریه‌ها اغلب ارتباطی با توان واقعی زوج ندارند (بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶ ه.ش، ص ۱۰۹).

ج) ابعاد حقوقی و قضایی: در حوزه حقوقی و قضایی نیز چالش‌های متعددی وجود دارد. حجم بالای پرونده‌های مهریه و چالش‌های اجرایی وصول آن، نظام قضایی را با ناکارآمدی نسبی راهکارهای قانونی فعلی مواجه کرده است. ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده اگرچه حبس را به ۱۱۰ سکه محدود کرد، مشکل اصل دین حقوقی را حل نکرد. کارایی این ماده با بخشنامه‌های بعدی قوه قضاییه که اصل را بر اعسار زوج گذاشت، در عمل کاهش یافت (کاویار، مرادی و نم‌نات، ۱۳۹۴، ص ۱۰۶). فرایند اعسار و تقسیط نیز اغلب طولانی و اقساط آن ناچیز است. سایر راهکارهای نظری مانند «تحدید مهریه» به دلیل تعارض با اصل تراضی و عدم وجود سقف شرعی (نجفی، ۱۴۱۴ ه.ش، ج ۳۱، ص ۱۴) و «اخذ مالیات» به دلیل ایرادات اجرایی، عملیاتی نشده‌اند (باریکلو، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۸۶).

| تأثیرات و پیامدها                                                                                                            | چالش‌های اصلی                                                                                                   | بُعد چالش       |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------|
| بی‌احترامی به زن، افزایش اختلافات، پیچیدگی طلاق، تأخیر/ ممانعت از ازدواج (گرجی و همکاران، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۲۴۸).                  | تغییر ماهیت مهریه (از هدیه به ابزار فشار، تفاخر، تضمین) (روشن و دیگران، ۱۴۰۱ ه.ش، ص ۷)                          | اجتماعی- فرهنگی |
| مشکلات معیشتی، فروپاشی اقتصادی خانواده، پیامدهای اجتماعی حبس، ترویج تعهدات غیر واقعی (یوسف زاده، ۱۳۸۴، ص ۴۶)                 | فشار مالی بر زوج، زندانیان مهریه، عدم تناسب با واقعیت اقتصادی (امیراحمدی، ۱۳۸۸ ه.ش، ص ۶۸)                       | اقتصادی         |
| اطاله دادرسی، فشار بر قوه قضاییه، تحقق نیافتن کامل حقوق زن، دورزدن قانون، ضرورت بازنگری در راهکارها (روشن، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۱۳۱). | حجم بالای پرونده‌ها، چالش‌های اجرایی وصول، ناکارآمدی نسبی راهکارهای قانونی فعلی (مردانی و زاهد، ۱۳۹۱ ه.ش، ص ۳۹) | حقوقی- قضایی    |

جدول ۱: چالش‌ها و پیامدهای نظام مهریه در ایران

### ۳. امکان‌سنجی فقهی تأسیس صندوق

تأسیس «صندوق تضمین مهریه» مستلزم بررسی مبانی مشروعیت آن است. اگرچه اصل در مهریه، تراضی طرفین است؛ اما پیامدهای منفی اجتماعی، مداخله حاکمیت یا ایجاد سازوکارهای حمایتی را از منظر فقهی ایجاب می‌کند.

#### ۳-۱. ادله جواز و مبانی مشروعیت

مشروعیت تأسیس صندوق تضمین مهریه را می‌توان بر اساس ادله و قواعد عام فقهی استوار کرد. مشروعیت صندوق بر ادله عام فقهی استوار است. مهم‌ترین مبنا، قاعده مصلحت است؛ حفظ نظام خانواده، حمایت از حقوق مالی زنان و پیشگیری از حبس مردان معسر، همگی از مصالح مهمی هستند که تأسیس صندوق می‌تواند ذیل «حکم

حکومتی» برای تأمین مصالح عمومی آن را تحقق بخشد (عمید زنجانی، ۱۳۸۴ ه.ش، ص ۷). همچنین بر اساس قواعد نفی ضرر و نفی حرج، وضعیت فعلی که برای زوجین و جامعه «ضرری» و «حرجی» است، با سازوکار صندوق رفع شدنی است. تأسیس چنین صندوقی با اصول کلی تعاون و تکافل اجتماعی در اسلام نیز سازگار است (احمدوند و آزادمنش، ۱۴۰۲ ه.ش، ص ۲۹۸). این صندوق می‌تواند سازوکاری برای یاری رساندن به زوجین در شرایط سخت مالی و تحقق مسئولیت متقابل افراد جامعه اسلامی در برابر یکدیگر باشد. در نهایت با توجه به اختیارات حاکم اسلامی در اداره امور جامعه و تأمین مصالح عمومی (خمینی، ۱۳۸۱ ه.ش، ج ۱، ص ۱۱۲)، تأسیس نهادهای عام‌المنفعه‌ای مانند این صندوق، در چارچوب وظایف و اختیارات حکومت اسلامی قرار می‌گیرد. حکومت می‌تواند برای ساماندهی امور اجتماعی و اقتصادی و رفع معضلات، اقدام به ایجاد چنین نهادهایی کند (گلشنی و همکاران، ۱۴۰۰ ه.ش، ص ۱۸۹).

### ۲-۳. ظرفیت‌های فقهی برای ساختار صندوق

برای طراحی ساختار و سازوکار اجرایی صندوق تضمین مهریه، می‌توان از ظرفیت‌ها و الگوهای موجود در فقه اسلامی الهام گرفت. نهادهایی مانند بیت‌المال که وظیفه مدیریت منابع عمومی و توزیع آن برای مصالح جامعه اسلامی را بر عهده دارد یا نهاد حسبه که به نظارت بر امور عمومی و اجرای عدالت می‌پردازد، می‌توانند الگوهایی برای جایگاه نظارتی یا حمایتی دولت در قبال صندوق باشند. همچنین وقف عام در جایگاه نهادی برای تخصیص اموال به اهداف خیرخواهانه و عام‌المنفعه (ملائی، ۱۴۰۴ ه.ش، ص ۵۴)، می‌تواند یکی از منابع بالقوه برای تأمین مالی صندوق در کنار منابع دیگر باشد. افزون بر این، الگوهای نهادی، عقود اسلامی نیز ظرفیت‌های قابل توجهی برای طراحی سازوکار اجرایی صندوق ارائه می‌دهند. مفهوم بیمه تکافل که مبتنی بر تعاون و همیاری اعضاست (احمدوند و آزادمنش، ۱۴۰۲ ه.ش، ص ۳۱۲)، می‌تواند الگویی برای مشارکت زوجین (مثلاً

از طریق پرداخت حق عضویت یا درصدی از مهریه در زمان ثبت) و ایجاد منبع مالی برای صندوق باشد (هاشمی و اسماعیلی، ۱۳۹۸ ه.ش، ص ۱۲). همچنین استفاده از عقد ضمان یا کفالت می‌تواند در تعریف رابطه صندوق با زوج (پس از پرداخت مهریه به زوجه و رجوع به زوج) بررسی شود (تقی‌زاده و موسوی، ۱۳۸۹ ه.ش، ص ۶۸). ماهیت مهریه به مثابه یک دین بر ذمه زوج (کاتوزیان، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۱۳۸) و امکان تضمین آن از سوی شخص ثالث (قانون مدنی، ماده ۶۹۶)، زمینه را برای ورود نهادی مانند صندوق تضمین فراهم می‌آورد. بررسی دقیق شیوه انطباق این عقود با عملکرد صندوق، نیازمند پژوهش‌های تکمیلی است؛ اما وجود این ظرفیت‌ها، امکان طراحی مدلی مشروع و کارآمد را تقویت می‌کند. در جدول (۲)، خلاصه‌ای از مبانی فقهی و الگوهای قابل استفاده ارائه شده است.

| مبانی فقهی مشروعیت         | ظرفیت‌ها و الگوهای فقهی برای ساختار |
|----------------------------|-------------------------------------|
| قاعده مصلحت                | نهاد بیت المال                      |
| قاعده لاضرر و لاجرح        | نهاد حسبه                           |
| اصول تعاون و تکافل اجتماعی | وقف عام                             |
| اختیارات حاکم اسلامی       | عقد تکافل                           |
|                            | عقد ضمان/کفالت                      |

جدول ۲: ظرفیت سنجی فقهی در قبال تأسیس صندوق تضمین مهریه

### ۳-۳. پاسخ به شبهات و ایرادات فقهی احتمالی

طرح تأسیس صندوق تضمین مهریه ممکن است با برخی ایرادات و شبهات فقهی مواجه شود که نیازمند پاسخ‌گویی است. یکی از مهم‌ترین ایرادها، بحث دخالت در قرارداد خصوصی زوجین است. همان‌طور که بیان شد، اصل بر تراضی طرفین در تعیین میزان مهریه است (قانون مدنی، ماده ۱۰۸۰). ممکن است گفته شود تأسیس صندوق و تعیین سقف برای تضمین

پرداخت آن، نوعی محدود کردن اراده طرفین و دخالت در حوزه خصوصی آنهاست (گلشنی و همکاران، ۱۴۰۰ هـ.ش، ص ۱۹۲)؛ در پاسخ باید گفت اولاً صندوق پیشنهادی، اراده طرفین در تعیین میزان مهریه را محدود نمی‌کند، بلکه صرفاً تضمین پرداخت بخشی از آن را (مثلاً تا سقف متعارف یا قانونی) بر عهده می‌گیرد و سازوکاری برای نحوه وصول در شرایط خاص (عدم پرداخت توسط زوج) ارائه می‌دهد. ثانیاً حتی اگر این اقدام نوعی دخالت تلقی شود، با استناد به اولویت مصلحت عمومی بر منافع خصوصی و اختیارات حاکم اسلامی برای حفظ نظام و جلوگیری از ضرر و حرج (احمدوند و آزادمنش، ۱۴۰۲ هـ.ش، ص ۳۰۱)، این دخالت توجیه‌شدنی است؛ به‌ویژه آنکه وضعیت فعلی مهریه‌های نامتعارف، مشکلاتی فراتر از حوزه خصوصی افراد ایجاد کرده است. ایراد دیگر ممکن است بحث غری یا عدم قطعیت در سازوکار صندوق باشد (انصاری، ۱۴۲۰ هـ.ج، ص ۶، ص ۵۲)؛ مثلاً عدم قطعیت در میزان منابع جمع‌آوری شده یا تعداد مطالباتی که صندوق باید پرداخت کند. در پاسخ می‌توان گفت اولاً هدف اصلی صندوق، تضمین و حمایت است که در ماهیت با درجاتی از عدم قطعیت همراه است، مشابه آنچه در بیمه‌های متعارف (و تکافل) پذیرفته شده است (هاشمی و اسماعیلی، ۱۳۹۸ هـ.ش، ص ۲۳). ثانیاً با طراحی دقیق سازوکار اجرایی، تعیین منابع پایدار و وضع مقررات شفاف، می‌توان میزان غرر را به حداقل رساند و آن را در حد غرر مجاز در عقود قرار داد. شبهه دیگر می‌تواند مربوط به منابع مالی صندوق باشد. ضروری است که منابع تأمین مالی صندوق (مانند حق ثبت ازدواج، کمک‌های دولتی، وجوه باز یافتی) کاملاً مشروع و حلال باشند (ملائی، ۱۴۰۴ هـ.ش، ص ۵۷) و سازوکار سرمایه‌گذاری احتمالی وجوه صندوق نیز بر اساس عقود اسلامی صورت گیرد تا از هرگونه شائبه ربا یا درآمد نامشروع مصون بماند. طراحی دقیق این بخش با نظارت فقیهان و کارشناسان مالی اسلامی امکان‌پذیر است. در مجموع با وجود برخی شبهات اولیه، به نظر می‌رسد با استناد به مبانی فقهی قوی مانند مصلحت و لاضرر و طراحی دقیق ساختار و سازوکار اجرایی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقهی، می‌توان ایرادات فقهی محتمل را پاسخ گفت و مشروعیت تأسیس صندوق تضمین مهریه را اثبات کرد.

#### ۴. مطالعه تطبیقی راهکارهای مشابه

ایده تأسیس «صندوق تضمین مهریه» در نظام حقوقی ایران ابتکاری جدید محسوب می‌شود؛ اما بررسی تجارب سایر کشورها در زمینه تضمین تعهدات مالی ناشی از روابط خانوادگی به ویژه نفقه زوج و فرزندان، می‌تواند چشم‌اندازهای مفیدی برای طراحی و اجرای این ایده فراهم آورد. از آنجاکه مهریه به شکل موجود در ایران در بسیاری از نظام‌های حقوقی دیگر سابقه ندارد، مطالعه تطبیقی عمدتاً بر سازوکارهای تضمین نفقه متمرکز خواهد بود. این بخش به بررسی الگوهای موجود در برخی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی می‌پردازد.

##### ۴-۱. تدابیر کشور اسلامی

در میان کشورهای اسلامی، مصر تجربه چشمگیری در ایجاد سازوکاری برای تضمین پرداخت نفقه دارد. به موجب قانون شماره ۱۱ سال ۲۰۰۴ که قانون تأسیس دادگاه‌های خانواده (قانون شماره ۱۰ سال ۲۰۰۴) را اصلاح کرد، «صندوق نظام تأمین الأسرة» (صندوق بیمه خانواده) تأسیس شد (قانون شماره ۱۱ لسنة ۲۰۰۴ بتعديل بعض أحكام قانون إنشاء محاكم الأسرة الصادر بالقانون رقم ۱۰ لسنة ۲۰۰۴، ماده ۷۱). هدف اصلی این صندوق، تضمین اجرای احکام صادرشده در خصوص نفقه زوج، مطلقه، فرزندان و والدین است، در مواردی که اجرای حکم از محکوم علیه (فرد ملزم به پرداخت) به دلیل امتناع یا ناتوانی او با مشکل مواجه می‌شود (قانون شماره ۱۱ لسنة ۲۰۰۴ بتعديل بعض أحكام قانون إنشاء محاكم الأسرة الصادر بالقانون رقم ۱۰ لسنة ۲۰۰۴، ماده ۷۲). منابع مالی این صندوق متنوع است و شامل یک درصد از مؤخر صدق (مهریه مؤجل) در هنگام ثبت طلاق، مبالغی مشخص در زمان ثبت ازدواج (که سالانه وزیر دادگستری تعیین می‌کند)، کمک‌های دولتی، هدایا و وقف‌ها و درآمدهای حاصل از سرمایه‌گذاری منابع صندوق است (قانون شماره ۱۱ لسنة ۲۰۰۴ بتعديل بعض أحكام قانون إنشاء محاكم الأسرة الصادر بالقانون رقم ۱۰ لسنة ۲۰۰۴، ماده ۷۳). بانک اجتماعی ناصر (بنك ناصر الاجتماعي) مسئولیت اداره این

صندوق و پرداخت نفقه به ذی نفعان را بر عهده دارد (قانون شماره ۱۱ لسنة ۲۰۰۴ بتعديل بعض أحكام قانون إنشاء محاكم الأسرة الصادر بالقانون رقم ۱۰ لسنة ۲۰۰۴، ماده ۷۴). سازوکار عمل به این ترتیب است که فرد ذی نفع (مثلاً زوجه) پس از دریافت حکم قطعی نفقه و اثبات عدم پرداخت از سوی زوج، به بانک ناصر مراجعه می کند و بانک پس از بررسی مدارک، اقدام به پرداخت منظم نفقه از محل منابع صندوق می نماید (قانون شماره ۱۱ لسنة ۲۰۰۴ بتعديل بعض أحكام قانون إنشاء محاكم الأسرة الصادر بالقانون رقم ۱۰ لسنة ۲۰۰۴، ماده ۷۵). سپس بانک به قائم مقامی ذی نفع، اقدامات قانونی لازم را برای بازپس گیری وجوه پرداختی به همراه هزینه ها از محکوم علیه به عمل می آورد (قانون شماره ۱۱ لسنة ۲۰۰۴ بتعديل بعض أحكام قانون إنشاء محاكم الأسرة الصادر بالقانون رقم ۱۰ لسنة ۲۰۰۴، ماده ۷۶). این الگو نشان می دهد که ایجاد یک صندوق با پشتوانه قانونی و منابع مالی مشخص برای تضمین پرداخت تعهدات مالی خانوادگی (گرچه محدود به نفقه) در یک کشور اسلامی با نظام حقوقی مبتنی بر شریعت، کاملاً امکان پذیر است و می تواند به مثابه مدلی قابل بررسی برای صندوق تضمین مهریه در ایران مورد توجه قرار گیرد.

#### ۴-۲. تدابیر کشورهای غیراسلامی

بسیاری از کشورهای غربی به ویژه کشورهای دارای دولت رفاه، سازوکارهای پیشرفته ای برای تضمین پرداخت نفقه فرزندان ایجاد کرده اند. آلمان یکی از نمونه های برجسته در این زمینه است. قانون پیش پرداخت نفقه (Unterhaltsvorschussgesetz - UVG) به والد تنهایی که حضانت فرزند زیر ۱۸ سال را بر عهده دارد و نفقه را از والد دیگر دریافت نمی کند، اجازه می دهد تا از دولت کمک هزینه دریافت کند. (1) (Unterhaltsvorschussgesetz, § 1) این پرداخت از سوی دفاتر رفاه جوانان (Jugendämter) انجام می شود. مبلغ پرداختی بر اساس حداقل نفقه قانونی و سن فرزند تعیین می گردد و معمولاً برای مدت محدودی (تا رسیدن فرزند به سن مشخص یا حداکثر ۷۲ ماه) ادامه می یابد؛ هرچند به تازگی محدودیت زمانی تا

۱۸ سالگی افزایش یافته است. (UVG, § 3a) منابع مالی این سیستم عمدتاً از بودجه فدرال و ایالتی تأمین می‌شود. (UVG, § 8) نکته مهم این است که دولت پس از پرداخت این پیش‌پرداخت، به جانشینی کودک، حق مطالبه وجوه پرداختی را از والد غایب پیدا می‌کند و اقدامات قانونی لازم را برای بازپس‌گیری آن انجام می‌دهد. (UVG, § 7) این الگو، نقش فعال دولت در تضمین حداقل معیشت برای کودکان تک‌سرپرست و سازوکار بازپس‌گیری وجوه از فرد متعهد را به خوبی نشان می‌دهد.

سوئد نیز سیستم مشابهی تحت عنوان حمایت نفقه (underhållsstöd) دارد که آژانس بیمه اجتماعی سوئد (Försäkringskassan) اجرا می‌کند (Social Insurance Code - So- cialförsäkringsbalken (2010:110), Chapter 19). نفقه تعیین شده از سوی دادگاه یا توافق‌نامه را پرداخت نمی‌کند، والد سرپرست می‌تواند برای دریافت این حمایت دولتی درخواست دهد. آژانس مبلغ مشخصی را (که سالانه تعیین می‌شود) به والد سرپرست پرداخت می‌کند و سپس به طور مستقل اقدام به مطالبه کل مبلغ نفقه (و نه فقط مبلغ پرداختی توسط آژانس) از والد بدهکار می‌نماید. (Ibid.) این سیستم نیز بر مسئولیت دولت در حمایت از کودکان و وجود یک نهاد متمرکز برای پرداخت و بازپس‌گیری تأکید دارد. الگوهای آلمان و سوئد اگرچه عمدتاً بر نفقه فرزند تمرکز دارند، اما ساختار اجرایی کارآمد، پشتوانه دولتی و مکانیزم‌های قوی بازپس‌گیری وجوه آنها می‌تواند درس‌های مهمی برای طراحی صندوق تضمین مهریه در ایران ارائه دهد.

#### ۳-۴. بررسی الگوی های موجود

مقایسه الگوهای مصر، آلمان و سوئد نشان می‌دهد که با وجود تفاوت در مبانی (شریعت در مصر، تأمین اجتماعی در آلمان و سوئد) و دامنه شمول (نفقه خانواده در مصر، عمدتاً نفقه فرزند در آلمان و سوئد)، ایده ایجاد یک نهاد یا صندوق برای تضمین پرداخت تعهدات مالی ناشی از روابط خانوادگی، امری عملی و پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی مختلف است؛ بنابراین

امکان سنجی عملی تأسیس صندوق تضمین مهریه در ایران را تقویت می‌کند. عناصر مشترک این الگوها شامل وجود مبنای قانونی مشخص، یک نهاد اجرایی مسئول (دولتی یا عمومی)، منابع مالی تعریف شده و سازوکاری برای پرداخت به ذی‌نفع و بازپس‌گیری از متعهد است. از تجارب این کشورها می‌توان درس‌های مهمی برای ایران آموخت؛ اولاً نیاز به چارچوب قانونی جامعی برای تأسیس صندوق، تعیین اهداف، ارکان، وظایف، منابع مالی، شرایط بهره‌مندی و سازوکار اجرایی آن کاملاً ضروری است. ثانیاً پایداری منابع مالی نقشی حیاتی دارد؛ الگوی مصر که ترکیبی از مشارکت کاربران (هزینه ثبت ازدواج و طلاق)، کمک‌های دولتی و سایر درآمدها را پیش‌بینی می‌کند (قانون شماره ۱۱ لسنة ۲۰۰۴، ماده ۷۳)، می‌تواند برای ایران که ممکن است تخصیص بودجه صرف دولتی با محدودیت مواجه باشد، جذاب‌تر باشد. پیشنهاد اخذ درصدی از مهریه (مثلاً به صورت حق ثبت متناسب با میزان مهریه) در زمان ثبت ازدواج، می‌تواند یکی از منابع اصلی باشد؛ هرچند باید جوانب فقهی و اجتماعی آن به دقت سنجیده شود. ثالثاً تعیین دقیق دامنه تعهدات صندوق اهمیت دارد؛ آیا صندوق تمام مهریه را تضمین می‌کند یا بخشی از آن را (مانند معادل ۱۱۰ سکه)؟ با توجه به محدودیت منابع و هدف اصلی (حمایت حداقلی و جلوگیری از حبس)، محدود کردن تعهد صندوق به بخشی از مهریه منطقی‌تر به نظر می‌رسد. رابعاً کارآمدی مکانیزم بازپس‌گیری وجوه از زوج برای پایداری مالی صندوق حیاتی است؛ صندوق باید از ابزارهای قانونی لازم برای شناسایی اموال زوج و وصول مطالبات خود (به جانشینی زوجه) برخوردار باشد که این امر نیازمند هماهنگی با سیستم اجرای احکام است. خامساً انتخاب نهاد اجرایی مناسب (یک سازمان جدید، بخشی از قوه قضاییه، بانک اجتماعی ناصر در مصر، دفاتر رفاه جوانان در آلمان) تأثیر زیادی بر عملکرد صندوق خواهد داشت. بدیهی است هرگونه الگوبرداری از تجارب تطبیقی باید با مقتضیات فقهی، حقوقی، اجتماعی و اقتصادی ایران سازگار شود. مبانی فقهی که در بخش پیشین ذکر شد (مصلحت، لاضرر، اختیارات حاکم)، چارچوب اصلی مشروعیت و عملکرد صندوق را تعیین خواهند کرد و هرگونه سازوکار اجرایی یا منبع مالی باید عدم مغایرت آن با شرع احراز گردد. با این وجود، مطالعه تجارب موفق و ناموفق

دیگر کشورها می‌تواند از آزمون و خطاهای پرهزینه جلوگیری کند و به طراحی مدلی کارآمدتر برای «صندوق تضمین مهریه» در ایران یاری رساند.

## ۵. چارچوب حقوقی و اجرایی پیشنهادی برای صندوق در ایران

پس از اثبات امکان‌سنجی فقهی تأسیس «صندوق تضمین مهریه» و بررسی تجارب تطبیقی، گام بعدی ارائه چارچوبی اولیه برای الزامات قانونی و سازوکار اجرایی این نهاد در نظام حقوقی ایران است. طراحی دقیق این چارچوب نیازمند مطالعات کارشناسی گسترده‌تری است؛ اما می‌توان رؤس کلی آن را بر اساس مباحث پیشین ترسیم کرد.

### ۵-۱. الزامات قانونی

تأسیس و فعالیت مؤثر صندوق تضمین مهریه مستلزم ایجاد پشتوانه قانونی محکم است. این امر می‌تواند از طریق تصویب قانون خاص برای تأسیس صندوق یا اصلاح قوانین موجود مرتبط با مهریه و اجرای تعهدات مالی صورت گیرد. به نظر می‌رسد تصویب یک قانون خاص که به تفصیل اهداف، ارکان، وظایف، منابع مالی، سازوکار اجرایی و ارتباط صندوق با سایر نهادها (مانند قوه قضاییه، سازمان ثبت اسناد و املاک، بانک مرکزی) را مشخص کند، مناسب‌تر باشد. این قانون باید به صراحت جایگاه قانونی صندوق را تعیین کند؛ آیا نهادی دولتی خواهد بود، یا عمومی غیردولتی (مانند سازمان تأمین اجتماعی) یا حتی خصوصی با نظارت دقیق دولتی؟ با توجه به ماهیت حمایتی و ارتباط آن با حقوق خانواده و نظم عمومی، به نظر می‌رسد ساختار عمومی غیردولتی با نظارت قوه قضاییه یا دولت، ضمن برخورداری از حمایت حاکمیتی، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشد. اصلاح برخی قوانین موجود نیز ضروری به نظر می‌رسد. ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ که سازوکار فعلی مواجهه با مهریه‌های بیش از ۱۱۰ سکه را تعیین کرده است (بهمن‌پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶ه.ش، ص ۱۰۷)، باید با توجه به تأسیس صندوق، بازنگری شود تا دامنه تعهد

صندوق و ارتباط آن با ملائت زوج مشخص شود. همچنین قانون شیوه اجرای محکومیت های مالی به ویژه در خصوص امکان حبس زوج و نحوه اثبات اعسار، باید با سازوکار صندوق هماهنگ گردد تا هدف اصلی یعنی حبس زدایی و حمایت هم زمان از حقوق زوج، به بهترین وجه تأمین شود. آیین نامه اجرایی تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی در خصوص محاسبه مهریه به نرخ روز نیز باید ارتباط خود را با تعهدات صندوق مشخص نماید (جلالی، ۱۳۸۹ ه. ش، ص ۲۰۷). تدوین این چارچوب قانونی باید با لحاظ کامل مبانی فقهی که در بخش دوم تبیین شد، صورت پذیرد تا از هرگونه مغایرت با شرع مصون بماند (اصل چهارم قانون اساسی).

## ۲-۵. ارکان و سازوکار اجرایی صندوق

موفقیت صندوق تضمین مهریه در گرو طراحی دقیق ارکان و پیش بینی چالش های پیش روی آن است:

### ۱-۲-۵. منابع مالی پایدار

یکی از چالش های اصلی، تأمین منابع مالی پایدار برای صندوق است. الگوهای مختلفی تصور شدنی است؛ می توان مشابه تجربه مصر (قانون شماره ۱۱ لسنة ۲۰۰۴، ماده ۷۳)، درصدی از مهریه (مثلاً به صورت حق ثبت متناسب با میزان مهریه که پلکانی افزایش یابد) را در زمان ثبت ازدواج منبع اصلی در نظر گرفت (ملائی، ۱۴۰۴ ه. ش، ص ۴۹). این روش، بار مالی را مستقیماً بر ازدواج های با مهریه بالاتر متمرکز می کند. کمک های دولتی از محل بودجه عمومی به ویژه در سال های اولیه تأسیس، می تواند ضروری باشد. وجوه باز یافتی از زوجین متمکن که صندوق به جای آنها مهریه را پرداخت کرده است، منبع مهم دیگری خواهد بود. همچنین می توان از ظرفیت درآمدهای حاصل از وقف یا کمک های خیریه برای تقویت بنیه مالی صندوق بهره برد (احمدوند و آزادمنش، ۱۴۰۲ ه. ش، ص ۳۱۱). مدیریت صحیح و سرمایه گذاری مشروع این منابع نیز برای پایداری صندوق حیاتی است.

### ۵-۲-۲. شرایط و شیوه پرداخت به زوجه

قانون باید به دقت مشخص کند که صندوق در چه شرایطی و تا چه سقفی متعهد به پرداخت مهریه است. با توجه به هدف اصلی (حمایت حداقلی و جلوگیری از حبس) و محدودیت منابع، منطقی است که تعهد صندوق به بخشی از مهریه محدود شود؛ این بخش می تواند معادل ۱۱۰ سکه مذکور در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده یا معادل مهرالمثل زوجه در نظر گرفته شود (قانون مدنی، ماده ۱۱۰۰). پرداخت از سوی صندوق باید منوط به صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت زوج به پرداخت مهریه و اثبات عدم توانایی وصول آن از زوج (پس از طی مراحل اجرایی متعارف و عدم شناسایی اموال قابل توقیف) باشد. شیوه پرداخت می تواند بسته به شرایط زوجه و منابع صندوق، یک جا یا اقساطی تعیین گردد (قانون مدنی، ماده ۱۰۸۳).

### ۵-۲-۳. سازوکار مطالبه از زوج

پس از پرداخت مهریه به زوجه، صندوق باید به قائم مقامی زوجه، حق رجوع به زوج را داشته باشد (مشابه § 7 Unterhaltsvorschussgesetz، آلمان). قانون باید ابزارهای لازم برای صندوق جهت شناسایی اموال زوج (با استفاده از سامانه های اطلاعاتی متمرکز) و وصول مطالبات خود (از طریق اجرای احکام یا سازوکارهای دیگر) را فراهم کند. این بخش برای جلوگیری از سوءاستفاده و حفظ منابع صندوق اهمیت حیاتی دارد. می توان جرایم دیرکرد یا کارمزدهای مشخصی نیز برای زوجینی که توانایی پرداخت داشته اند اما از پرداخت امتناع کرده اند، در نظر گرفت.

### ۵-۲-۴. ساختار مدیریتی و نظارتی

صندوق نیازمند ساختار مدیریتی کارآمد و شفاف است. این ساختار می تواند شامل هیئت امنا (متشکل از نمایندگان قوه قضاییه، دولت، کارشناسان حقوقی و اقتصادی)، هیئت مدیره و بازرسان باشد. نظارت دقیق بر عملکرد مالی و اجرایی صندوق برای جلوگیری از فساد و تضمین تحقق اهداف آن ضروری است. در جدول (۳) چارچوب پیشنهادی به اختصار ارائه شده است.

| مؤلفه چارچوب      | پیشنهادهای اصلی                                                                       | ملاحظات                                          |
|-------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|--------------------------------------------------|
| جایگاه قانونی     | عمومی غیردولتی با نظارت قوه قضاییه/دولت                                               | نیاز به تصویب قانون خاص یا اصلاح قوانین موجود    |
| منابع مالی        | حق ثبت ازدواج متناسب با مهریه، کمک دولتی، وجوه باز یافتی از زوج، وقف و خیریه          | پایداری منابع، مشروعیت منابع و نحوه سرمایه گذاری |
| دامنه تعهد صندوق  | تاسقف مشخص (۱۱۰ سکه یا مهرالمثل)                                                      | تعیین دقیق مبنای محاسبه سقف تعهد                 |
| شرایط پرداخت      | صدور حکم قطعی، اثبات عدم امکان وصول از زوج                                            | جلوگیری از پرداخت های زود هنگام یا غیر ضروری     |
| شیوه پرداخت       | یک جا یا اقساطی (بسته به شرایط زوج و منابع صندوق)                                     | انعطاف پذیری در پرداخت                           |
| بازپس گیری از زوج | قائم مقامی زوج، ابزارهای قانونی برای شناسایی اموال و وصول مطالبات، امکان جریمه دیرکرد | کارآمدی مکانیزم بازپس گیری برای پایداری صندوق    |
| ساختار مدیریتی    | هیئت امنا، هیئت مدیره، بازرس؛ شفافیت و نظارت دقیق                                     | تضمین کارایی و جلوگیری از فساد                   |

جدول ۳: ساختار پیشنهادی صندوق تضمین مهریه در نظام حقوقی ایران

طراحی و اجرای موفقیت آمیز چنین صندوقی نیازمند عزم جدی قانون گذار، همکاری بین نهادهای مختلف و انجام مطالعات دقیق اقتصادی و اجتماعی برای پیش بینی آثار و پیامدهای آن است. اما با توجه به مبانی فقهی محکم و تجارب نسبتاً موفق در سایر کشورها، به نظر می رسد این ایده، ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به راهکاری مؤثر در مدیریت یکی از چالش برانگیزترین مسائل حقوق خانواده در ایران را داراست.

## نتیجه

مهریه یکی از حقوق مالی بنیادین زوجه در نظام حقوقی اسلام و ایران است که جایگاهی ویژه دارد؛ با این حال، افزایش نامتعارف میزان آن در دهه‌های اخیر و مشکلات ناشی از عدم توانایی زوج در پرداخت، این نهاد را با چالش‌های جدی اجتماعی، اقتصادی و حقوقی مواجه کرده است و به یکی از عوامل تزلزل در نهاد خانواده و افزایش حجم پرونده‌های قضایی بدل شده است. راهکارهای قانونی موجود از جمله امکان طرح دعوی اعسار و تقسیط یا محدودیت‌های اجرایی ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، نتوانسته‌اند کامل بر این معضل فائق آیند و ضرورت ارائه راهکاری جامع‌تر و مؤثرتر را آشکار کرده‌اند. این پژوهش با هدف ارائه راهکاری جدید، به بررسی امکان سنجی فقهی - حقوقی تأسیس نهادی تحت عنوان «صندوق تضمین مهریه» پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تأسیس چنین صندوقی با مبانی فقه امامیه سازگاری دارد. استناد به قاعده مصلحت، با توجه به ضرورت حفظ نظام خانواده، حمایت از حقوق زوجه و پیشگیری از حبس زوج معسر که همگی از مصالح مهم اجتماعی هستند، جواز تأسیس این صندوق را تقویت می‌کند. همچنین با توجه به ضرر و حرج ناشی از وضعیت فعلی برای زوجین و جامعه، استناد به قواعد لاضرر و لاجرح نیز می‌تواند مبنای دیگری برای مشروعیت این اقدام باشد. افزون بر این، تأسیس صندوق در چارچوب اختیارات حاکم اسلامی برای تأمین مصالح عمومی و ساماندهی امور اجتماعی قرار می‌گیرد و با اصول کلی تعاون و تکافل اجتماعی نیز همخوانی دارد. ظرفیت‌های فقهی موجود مانند نهاد بیت‌المال، وقف عام و عقود اسلامی نظیر تکافل و ضمان نیز الگوهای مناسبی برای طراحی ساختار و سازوکار اجرایی صندوق ارائه می‌دهند. مطالعه تطبیقی تجارب کشورهایمانند مصر در تأسیس «صندوق نظام تأمین الأسرة» برای تضمین نفقه و کشورهای غربی نظیر آلمان و سوئد در ایجاد سازوکارهای دولتی برای تضمین نفقه فرزندان، نشان داد که ایده ایجاد نهادهای تضمین‌کننده تعهدات مالی خانوادگی، امری عملی و پذیرفته‌شده در نظام‌های حقوقی مختلف است. درس آموخته‌های اصلی این تجارب شامل لزوم وجود چارچوب قانونی مشخص، منابع مالی پایدار، تعیین دقیق دامنه تعهدات و کارآمدی مکانیزم

بازپس‌گیری وجوه از متعهد اصلی است. بر این اساس، چارچوب اولیه‌ای برای تأسیس صندوق تضمین مهریه در ایران پیشنهاد گردید که شامل تصویب قانون خاص، تعیین جایگاه عمومی غیردولتی برای صندوق، تعریف منابع مالی متنوع (مانند حق ثبت ازدواج متناسب با مهریه، کمک دولتی، وجوه بازیافتی)، محدود کردن تعهد صندوق به سقف مشخص (مانند ۱۱۰ سکه یا مهرالمثل)، منوط کردن پرداخت به صدور حکم قطعی و اثبات عدم امکان وصول از زوج و ایجاد سازوکار قانونی مؤثر برای رجوع صندوق به زوج متمکن است. تأسیس «صندوق تضمین مهریه» از منظر فقهی امکان‌پذیر، از منظر حقوقی نیازمند تقنین و از منظر اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. این نهاد می‌تواند با حمایت از حقوق مالی زوجه در شرایط عدم پرداخت مهریه توسط زوج، از تبدیل مهریه به ابزار فشار یا معضلی لاینحل جلوگیری کند، به کاهش آمار زندانیان مهریه کمک نماید و در نهایت به تحکیم نهاد خانواده و کاهش بار دعاوی از دوش نظام قضایی یاری رساند. برای تکمیل الگوی صندوق تضمین سرمایه نیز پیشنهاد می‌شود قوه قضاییه یا دولت، لایحه‌ای جامع برای تأسیس این صندوق با الهام از چارچوب ارائه شده و با انجام مطالعات تکمیلی دقیق اقتصادی و اجتماعی، تدوین و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. در این لایحه، بازنگری در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده و هماهنگی با قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ضروری است. در صورت تصویب قانون و در مقام اجرائی لازم است جایگاه صندوق به عنوان یک نهاد عمومی غیردولتی با ارکان مشخص (هیئت امنا، هیئت مدیره، بازرس) و تحت نظارت قوه قضاییه تعریف گردد.

## کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

احمدوند، خلیل‌الله؛ و لیلا آزادمنش. (۱۴۰۲ ه.ش). «بررسی حقوق مالی زن و مرد در پرتو فقه پویا».

دوفصلنامه علمی فقه و حقوق خانواده. دوره ۲۸، ش ۷۹، ص ۲۹۵ - ۳۲۷.

آقازاده، محمدرضا. (۱۳۸۵ ه.ش). گفتارهای ساده حقوقی. مشهد: قاسمی.

- امیراحمدی، محمدرضا. (۱۳۸۸ ه.ش). نظام مالی خانواده. تهران: میزان.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. (۱۴۲۰ ه.ش). المکاسب. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- باریکلو، علیرضا. (۱۳۹۰ ه.ش). «وضع حقوقی مهر سنگین». فصلنامه حقوق. دوره ۴۱، ش ۱، ص ۷۹ - ۹۷.
- بهمن پوری، عبدالله؛ و سهیلا جعفرپور. (۱۳۹۶ ه.ش). «جایگاه فقهی و حقوقی مهریه در نظام حقوقی ایران با تأکید بر قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱». دوفصلنامه علمی - ترویجی فقه و حقوق خانواده (ندای صادق). دوره ۲۲، ش ۶۷، ص ۱۰۱ - ۱۲۵.
- پژوهشکده شورای نگهبان. (۱۳۹۳ ه.ش). قانون حمایت خانواده در پرتو نظرات شورای نگهبان. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- تقی زاده، علی نقی؛ و سیداحمد موسوی. (۱۳۸۹ ه.ش). «ضمانت مهریه». فصلنامه پژوهش حقوق. دوره ۱۲، ش ۲۹، ص ۶۶ - ۸۵.
- جعفری، علی. (۱۳۹۴ ه.ش). «امکان سنجی فقهی تحدید مهریه». پژوهش های فقهی. دوره ۱۱، ش ۲، ص ۳۳۹ - ۳۶۶.
- جلالی، سیدمهدی. (۱۳۸۹ ه.ش). «نقد و بررسی مهریه در لایحه حمایت از خانواده». فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان (مطالعات راهبردی زنان). دوره ۱۲، ش ۴۸، ص ۱۸۳ - ۲۱۸.
- خمینی، سیدروح الله. (۱۳۸۱ ه.ش). ولایت فقیه (حکومت اسلامی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- روشن، محمد. (۱۳۹۱ ه.ش). حقوق خانواده. تهران: انتشارات جنگل.
- روشن، محمد؛ مجتبی قاسمی؛ و محمدرضا فرهنگ. (۱۴۰۱ ه.ش). «تحلیل اقتصادی مهریه». خانواده پژوهی. دوره ۱۸، ش ۱، ص ۷ - ۲۱.
- شعبانی، افسانه؛ و سیدهاشم فلاحی. (۱۳۸۶ ه.ش). «فلسفه مهریه در نظام حقوقی اسلام». در: همایش زن در نظام حقوقی اسلام. آستارا: دانشگاه آزاد اسلامی.
- صفایی، حسین؛ و اسدالله امامی. (۱۳۹۳ ه.ش). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۴ ه.ش). قواعد فقه سیاسی (مصلحت). تهران: امیرکبیر.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸ ه.ش). حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- گرچی، ابوالقاسم؛ صفایی، سیدحسین؛ عراقی، سیدعزت الله؛ و امامی، اسدالله. (۱۳۸۴ ه.ش). بررسی تطبیقی حقوق خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گلشنی، ابوزر؛ محمد حسین جعفری؛ و محمد حسین کریمی. (۱۴۰۰ ه.ش). «واکاوی فقهی و حقوقی مداخله حاکمیت در تعیین میزان مهریه در نظام حقوقی ایران». فصلنامه علمی فقه و مبانی حقوق اسلامی. دوره ۱۴، ش ۱، ص ۱۷۹ - ۱۹۸.

مردانی، مرضیه؛ و زاهد، سیدسعید. (۱۳۹۱ ه.ش). «بررسی جامعه‌شناختی مهریه». فصلنامه زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، صص ۳۹-۵۹.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۱ ه.ش). نظام حقوقی زن در اسلام. تهران: صدرا.

ملائی، مهدی. (۱۴۰۴ ه.ش). «واکاوی نظریات کنترل‌کننده مهریه‌های نامتعارف و امکان‌سنجی تعمیم حکم عدم نفوذ بر مهریه مازاد بر ثلث اموال». مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده. دوره ۸، ش ۱۵، ص ۳۳ - ۶۸.

نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی. هاشمی، عصمت؛ و محسن اسماعیلی. (۱۳۹۸ ه.ش). «بیمه اجباری مهریه برای حمایت از زوجه در شرایط خاص». مطالعات حقوقی، دوره جدید، شماره ۱، ص ۱ - ۱۶.

## References

### A. Scriptures

The Holy Qur'an.

*Nahj al-Balāghah* [The Peak of Eloquence].

### B. Other sources

Āghāzādah, Muḥammad Riḍā. 1385 Sh. *Gofṭārḥā-yi Sādeh- 'i Ḥuqūqī* [Simple Legal Discourses]. Mashhad: Qāsimī.

Aḥmadwand, Khalīlullāh, and Laylā Āzādmanish. 1402 Sh. "Barrist-yi Ḥuqūq-i Mālī-yi Zan va Mard dar Partow-i Fiqh-i Pūyā" [An Examination of the Financial Rights of Women and Men in Light of Dynamic Jurisprudence]. *Dūfaşlnāmah- 'i 'Ilmī-yi Fiqh va Ḥuqūq-i Khānivādah* [Biannual Scientific Journal of Jurisprudence and Family Law], vol. 28, no. 79: 295-327.

- ‘Amīd Zanjānī, ‘Abbās ‘Alī. 1384 Sh. *Qavā'id-i Fiqh-i Siyāsī (Maṣlaḥat)* [Rules of Political Jurisprudence: Expediency]. Tehran: Amīr Kabīr.
- Amīr Aḥmadī, Muḥammad Riḍā. 1388 Sh. *Nizām-i Mālī-yi Khānivādah* [The Financial System of the Family]. Tehran: Mīzān.
- Anṣārī, Murtaẓā ibn Muḥammad Amīn. 1420 AH. *Al-Makāsib* [The Acquisitions]. Qom: Majma' al-Fikr al-Islāmī.
- Bahmanpūrī, ‘Abdullāh, and Suhaylā Ja'farpūr. 1396 Sh. “Jāyghāh-i Fiqhī va Ḥuqūqī-yi Mahriyyah dar Nizām-i Ḥuqūqī-yi Īrān bā Tākīd bar Qānūn-i Ḥimāyat-i Khānivādah 1391” [The Jurisprudential and Legal Status of Dower in Iran's Legal System with an Emphasis on the Family Protection Law of 2012]. *Dūfaṣlnāmah-i 'Ilmī-Tarvījī-yi Fiqh va Ḥuqūq-i Khānivādah (Nidā-yi Ṣādiq)* [Biannual Scientific-Propagatory Journal of Jurisprudence and Family Law], vol. 22, no. 67: 101–125.
- Bārīklū, ‘Alī Riḍā. 1390 Sh. “Vaḍ'-i Ḥuqūqī-yi Mahr-i Sangīn” [The Legal Status of Heavy Dower]. *Faṣlnāmah-i Ḥuqūq* [Law Quarterly], vol. 41, no. 1: 79–97.
- Gulshanī, Abū Dhar, Muḥammad Ḥusayn Ja'farī, and Muḥammad Ḥusayn Karīmī. 1400 Sh. “Vākāvī-yi Fiqhī va Ḥuqūqī-yi Mudākhillah-i Hukūmat dar Ta'yīn-i Mīzān-i Mahriyyah dar Nizām-i Ḥuqūqī-yi Īrān” [A Jurisprudential and Legal Analysis of State Intervention in Determining the Amount of Dower in Iran's Legal System]. *Faṣlnāmah-i 'Ilmī-yi Fiqh va Mabānī-yi Ḥuqūq-i Islāmī* [Scientific Quarterly of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law], vol. 14, no. 1: 179–198.
- Gurjī, Abū al-Qāsim, Sayyid Ḥusayn Ṣafā'ī, Sayyid 'Izzatullāh 'Irāqī, and Asadullāh Imāmī. 1384 Sh. *Barrasī-yi Taṭbīqī-yi Ḥuqūq-i Khānavādah* [A Comparative Study of Family Law]. Tehran: Intishārāt-i Dānishgāh-i Tīhrān.
- Hāshimī, 'Iṣmat, and Muḥsin Ismā'īlī. 1398 Sh. “Bīmah-i 'Ijbārī-yi Mahriyyah barā-yi Ḥimāyat az Zawjah dar Sharāyīṭ-i Khāṣṣ” [Compulsory Dower Insurance for the Protection of the Wife under Special Circumstances]. *Muṭāla'āt-i Ḥuqūq* [Legal Studies], new series, no. 1: 1–16.
- Ja'farī, ‘Alī. 1394 Sh. “Imkānsanjī-yi Fiqhī-yi Taḥdīd-i Mahriyyah” [A Jurisprudential Feasibility Study on the Limitation of Dower]. *Pazhūhishhā-yi Fiqhī* [Jurisprudential Researches], vol. 11, no. 2: 339–366.

- Jalālī, Sayyid Mahdī. 1389 Sh. “Naqd va Barrasī-yi Mihriyyah dar Lāyihah-’i Hīmāyat az Khānivādah” [A Critique and Examination of Dower in the Family Protection Bill]. *Faṣḥ-nāmah-’i Shūrā-yi Farhangī-Ijtimā’ī-yi Zanān* (*Muṭāla’āt-i Rāhburdī-yi Zanān*) [Quarterly of the Women’s Cultural-Social Council (Strategic Studies on Women)], vol. 12, no. 48: 183–218.
- Kātūziyān, Naṣir. 1378 Sh. *Huqūq-i Madanī-yi Khānivādah* [Civil Law of the Family]. Tehran: Shirkat-i Sihāmī-yi Intishār.
- Khomeinī, Sayyid Rūḥullāh. 1381 Sh. *Wilāyat-i Faqīh (Ḥukūmat-i Islāmī)* [Guardianship of the Jurist (Islamic Government)]. Tehran: Mu’assasah-’i Tanzīm va Nashr-i Āthār-i Imām Khomeinī (ra).
- Mardānī, Marḍiyyah, and Sayyid Sa’īd Zāhid. 1391 Sh. “Barrisī-yi Jāmi’ah-shinākhtī-yi Mahriyyah” [A Sociological Examination of Dower]. *Faṣḥ-nāmah-’i Zan va Jāmi’ah (Jāmi’ah-shināsī-yi Zanān)* [Women and Society Quarterly (Sociology of Women)], year 3, no. 1 (serial no. 9): 39–59.
- Mullā’ī, Mahdī. 1404 Sh. “Vākāvi-yi Nazariyyāt-i Kunturul-kunandah-’i Mahriyyahā-yi Nāmutarārif va Imkānsanjī-yi Ta’mīm-i Ḥukm-i ‘Adam-i Nufūdh bar Mahr-i Māzād bar Thulth-i Amvāl” [An Analysis of Theories on Controlling Unconventional Dowers and the Feasibility of Extending the Ruling of Non-Influence to Dower Exceeding One-Third of Assets]. *Muṭāla’āt-i Fiqhī-Huqūqī-yi Zan va Khānivādah* [Jurisprudential-Legal Studies on Women and the Family], vol. 8, no. 15: 33–68.
- Muṭahharī, Murtaḍā. 1381 Sh. *Nizām-i Huqūqī-yi Zan dar Islām* [The Legal System of Women in Islam]. Tehran: Ṣadrā.
- Najafī [Al-], Muḥammad Ḥasan. 1404 AH. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā’i’ al-Islām* [The Jewels of Discourse in the Commentary on Sharā’i’ al-Islām]. Beirut: Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Pazhūhishkadah-’i Shūrā-yi Nigahbān [Guardian Council Research Institute]. 1393 Sh. *Qānūn-i Hīmāyat-i Khānivādah dar Partaw-i Nazarāt-i Shūrā-yi Nigahbān* [The Family Protection Law in Light of the Opinions of the Guardian Council]. Tehran: Pazhūhishkadah-’i Shūrā-yi Nigahbān.
- Rowshan, Muḥammad, Muṭtabā Qāsimī, and Muḥammad Rizā Farhang. 1401 Sh. “Taḥlīl-i

Iqtisādī-yi Mahriyyah” [Economic Analysis of Dower]. *Khānivādah-Pazhūhī* [Family Research], vol. 18, no. 1: 7–21.

Rowshan, Muḥammad. 1391 Sh. *Huqūq-i Khānivādah* [Family Law]. Tehran: Intishārāt-i Jangal.

Şafā’ī, Ḥusayn, and Asadullāh Imāmī. 1393 Sh. *Mukhtaṣar-i Huqūq-i Khānivādah* [Abridged Family Law]. Tehran: Nashr-i Mīzān.

Sha’bānī, Afsānah, and Sayyid Hāshim Fallāhī. 1386 Sh. “Falsafah-’i Mahriyyah dar Nizām-i Huqūqī-yi Islām” [The Philosophy of Dower in the Islamic Legal System]. In *Hamāyish-i Zan dar Nizām-i Huqūqī-yi Islām* [Conference on Women in the Islamic Legal System]. Āstārā: Dānishgāh-i Āzād-i Islāmī.

Taqīzādah, ‘Alī Naqī, and Sayyid Aḥmad Mūsavī. 1389 Sh. “ḍimānat-i Mahriyyah” [Guarantee of Dower]. *Faṣlnāmah-’i Pazhūhish-i Huqūq* [Legal Research Quarterly], vol. 12, no. 29: 66–85.